

### متن پرسش

سلام و عرض ادب به نظر می‌رسد سروش در جمع بندی از بحث تکنیک و فلسفه تکنولوژی دچار تناقض گوییست و تکلیفش با خودش معلوم نیست. علی‌الخصوص که بعضی از حرف‌هایش در این رابطه با مبانی فکری فلسفی‌اش جور در نمی‌آید. سروش در مقاله‌ی صنعت و قناعت در جایی از فزون‌خواهی ذاتی تکنیک و تقدیر تاریخی آن صحبت می‌کند و در جای دیگر می‌گوید «آیا همه جا باید داد سخن داد که تکنیک اگر عیبی دارد برای آن است که در دامان مادری فاسد و شهوت پرست بوده است و فرهنگ حاکم آن را مسخ کرده است؟ آیا نباید اندیشید که خود تکنیک هم با خود فرهنگ می‌آورد؟...». در بسیاری از عباراتش در این مقاله علی‌رغم مخالفتش با فردید و داوری و هایدگر، ادبیاتش و حتی روایتی که از روح حاکم بر تکنولوژی ارائه می‌کند شبیه به همان روایت آقایان است. ظاهراً خودش هم ملتفت نیست که از طرفی حرف‌های همین آقایان را تایید می‌کند و از طرف دیگر زبان به دشنام و ناسزا علیه‌شان باز می‌کند. وی در جای دیگری از مقاله و با تغییر موضع پیشین خود می‌گوید شهوت پرستان و دنیا طلبان و... آمدند سوار بر جریان علم به طور اعم و تکنیک به طور اخص شدند و شد آنچه که نباید می‌شد. در این روایت از علم و تکنیک مسأله‌اش بسیار شبیه به شریعتی در بحث ماشینیسیم می‌شود که اتفاقاً این روایت از تکنیک به نظر با خاستگاه فکری فلسفی که سروش از آن برخاسته بیشتر جور در می‌آید. سوال اول اینکه بالاخره موضع سروش در رابطه با ماهیت و فلسفه تکنولوژی چیست؟ جمع بندی بنده این است که وی تعمق کافی در این رابطه نداشته و بیشتر بر دادن راه حل برای در امان ماندن از تبعات منفی آن متمرکز شده. سوال دوم اینکه این بغض و کینه عجیب سروش نسبت به فردید از کجا ناشی می‌شود؟ به نظر قضیه صرفاً اختلاف بر سر مبانی علمی و فکری و از این حرف‌ها نیست. البته ایشان کلاً آدم عصبانی و پرخاشگری است اما در مورد فردید و منتسبان به فردید دیگر شورش را در می‌آورد. با تشکر

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حتماً در جریان هستید که آقای سروش کتاب «صناعت و قناعت» را در زمانی می‌نویسند که به گفته‌ی خودشان هنوز سروش «حرکت جوهری» نمرده بود و شریعت را رؤیای رسولان نمی‌دانستند. اگر در آن زمان به آقای فردید و آقای داوری انتقاد دارند، به جهت آن بود که آن آقایان متوجهی روحیه‌ی پوپری آقای سروش شده بودند و ایشان فکر می‌کرد به جهت نفوذی در آن زمان داشت، می‌تواند آن‌ها را از صحنه بیرون کند. ولی چون هرچه جلو رفت ناکامی ایشان در این امر

بیشتر شد عصبانیت‌شان صد چندان گشت در آن حدّ که اگر به مصاحبه‌ی اخیر ایشان در رابطه با «کرونا ویروس» نظر کنید، دیگر عصبانیت نیست؛ دریدنِ آقای دکتر داوری به میان آمده است در آن حدّ که به قول یکی از افرادی که چندان هم با دکتر سروش مخالف نبود؛ می‌گفت این پایان دکتر سروش است. موفق باشید